**جناب استاد باقر**

**و جناب استاد احمد**

**هو اللّه**

و از جمله مهاجرين جناب استاد باقر نجّار و جناب استاد احمد نجّار بودند \* اين دو برادر پاک گهر از بدايت هدايت دست در آغوش يکديگر بودند و از اهل کاشان بودند ندای الهی شنيدند و خطاب الست را بلی گفتند \* مدّتی در وطن خويش بذکر حقّ مألوف بودند و بعرفان و هدايت رحمن موصوف در نزد يار و اغيار محترم بودند و بديانت و امانت و زهد و تقوی مشهور و مسلّم \* چون عوانان دست تطاول گشودند و عرصه بر ايشان تنگ کردند هجرت بعراق نمودند و بظلّ مبارک شتافتند بسيار دو نفس مبارکی بودند \* مدّتی در عراق در نهايت تضرّع و ابتهال اوقاتی بسر بردند استاد احمد بادرنه شتافت استاد باقر در عراق بود بموصل اسير شد \* استاد احمد در معيّت مبارک بسجن اعظم آمد و استاد باقر از موصل بعکا هجرت کرد \* هر دو برادر در پناه حقّ بودند و از هر قيدی آزاد در سجن بصنعت خويش مشغول شدند و از بيگانه و خويش در کنار بودند در نهايت سکون و وقار و ايقان و اطمينان در پناه رحمن با روح و ريحان ميگذرانيدند \* اوّل استاد باقر صعود نمود و مدّتی بعد از او استاد احمد عروج کرد \*

خلاصهء کلام اين دو برادر مؤمن و موقن ثابت و راسخ صابر و شاکر متضرّع و مبتهل در جميع اوقات توجّه بحضرت کبريا داشتند در مدّت اقامه در سجن قصوری ننمودند فتوری نياوردند بلکه در کمال فرح و سرور بودند و از جام طهور سرمست \* چون صعود نمودند ياران دلخون و محزون گشتند و جميع از الطاف جمال مبارک طلب عنايت و عفو و مغفرت نمودند \* هميشه مشمول بالطاف بودند و مؤيّد باسعاف جمال مبارک از هر دو راضی با اين زاد و توشه سفر آخرت نمودند و بجهان ابدی شتافتند \* عليهما البهاء الابهی عليهما الرّحمة من الطاف الکبرياء و لهما مقعد صدق فی ملکوت الابهی \* هر دو قبر معطّر در عکا است \*